

جایگاه فقهی - حقوقی ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه فرهنگی در راستای تحقق رسالت پاسداری

محمود اکبری*
جواد حق گو**

چکیده

همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی نهادهای جدیدی برای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی تأسیس شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یکی از این نهادهاست. درباره کارکردهای این نهاد تاکنون مباحث مختلفی مطرح شده است. برخی با تأکید بر نظامی بودن این نهاد ورود به حوزه‌های دیگری چون عرصه فرهنگی را ناصحیح می‌دانند. در مقابل برخی دیگر با تأکید بر اصولی چون اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی بر کارکرد چند جانبه این نهاد برای «نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن» تأکید دارند. در این پژوهش برای شفاف شدن این مسئله به بررسی موضوع ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه فرهنگی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته‌ایم.

بر اساس بررسی‌های صورت پذیرفته در این مقاله و ارائه ادله‌های «قرآنی - روایی»، «اصولی» و «فقهی» مشخص شد که سپاه پاسداران نهادی چند منظوره است که برای مقابله با تهدیدات گوناگونی که انقلاب اسلامی را تهدید می‌نماید کارکردهای متنوعی چون کارکرد فرهنگی دارد. لذا ورود این نهاد به عرصه فرهنگی برای تقابل با تهدیدات یکی از اصلی‌ترین ماموریت‌های این نهاد به‌شمار می‌آید.

واژگان کلیدی

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تهدیدات فرهنگی، قانون اساسی

۱. مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی برخاسته از انقلابی دینی از سوی دشمنان با تهدیدهای متنوعی در عرصه‌های گوناگون «نظامی - امنیتی»، «اقتصادی»، «سیاسی» و «فرهنگی» مواجه شده است. در این میان تهدیدهای فرهنگی به دلیل ویژگی «اثرگذاری تدریجی» از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه تهدید فرهنگی طیف متنوعی از موضوعات را در بر می‌گیرد که برخی از آنها بیشتر ریشه درونی دارند با اینحال به نظر می‌رسد که بخش مهمی از تهدیدهای فرهنگی‌ای که امروز جامعه ایرانی و نسل‌های جدید انقلاب را تهدید می‌نماید خاستگاهی بیرونی داشته باشد. همان موضوعی که بارها توسط رهبر معظم انقلاب با تعبیری چون «تهاجم فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی» از آن یاد شده است.

سوالاتی که از همان ابتدا قابل طرح است عبارتند از:

- جمهوری اسلامی چگونه باید به تقابل با این تهدیدهای فرهنگی که تدریجاً موجودیت انقلاب را به مخاطره خواهند انداخت پردازد؟

- کدام نهادها وظیفه تقابل با این تهدید فرهنگی را بر عهده دارند؟

- نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با این تهدیدها چیست؟ آیا حیطة اختیارات سپاه تنها در تهدیدهای نظامی است یا اینکه در هر عرصه‌ای که انقلاب اسلامی با تهدیدی مواجه شود سپاه پاسداران موظف است تا از انقلاب دفاع کند؟

این مقاله به دنبال یافتن پاسخی مستند برای پرسش سوم است. بنا بر این بررسی جایگاه فقهی - حقوقی ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه فرهنگی برای تقابل با تهدیدها موضوع اصلی این مقاله است.

در پاسخ به این سوال مهم فرضیه این مقاله را اینگونه سامان داده‌ایم:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موظف است در راستای انجام به وظیفه پاسداری خود و برای تقابل با تهدیدهای احتمالی به عرصه فرهنگی ورود نماید.

برای ورود به بحث در ابتدا ضروری است تا منظور از مفهوم پاسداری که به عنوان وظیفه اصلی سپاه معرفی شده، مشخص و تبیین گردد. به عبارت دیگر در همان ابتدا باید مشخص نماییم که آیا

این پاسداری تنها محدود به عرصه نظامی است یا سایر عرصه‌ها از جمله فرهنگی و جنگ نرم را هم شامل می‌شود؟ به عنوان مثال آیا در صورت هجمه فرهنگی و جنگ نرم پاسداری از انقلاب مفهوم دارد؟ یا خیر؟

برای روشن شدن این مطلب بایستی به جایگاه حقوقی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قوانین مدونه درباره این نهاد انقلابی رجوع کرد. بنا بر این در گام نخست باید به متن قانون اساسی و مشروح مذاکرات مراجعه کرد و هدف از تشکیل سپاه و رسالت و مسئولیت سپاه را مورد واکاوی قرارداد. در گام بعد باید اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجائیکه یکی از منابع اصلی حقوقی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فقه امامیه بوده بررسی مبانی فقهی در این موضوع هم ضروری می‌نماید. علاوه بر این مراجعه به رهنمودها و بیانات ولی فقیه (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای) نیز ضروری است.

۲. قانون اساسی

ابتدا، به بررسی جایگاه حقوقی ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه فرهنگی بر اساس متن قانون اساسی و همچنین مشروح مذاکرات قانون اساسی که نقش بسزایی در فهم و تفسیر اصول قانون اساسی دارد می‌پردازیم.

اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی، فلسفه وجودی سپاه را این‌گونه بیان می‌دارد:

« سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نخستین روزهای پیروزی انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پابرجا می‌ماند. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظایف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنان، به وسیله قانون تعیین می‌شود.» (قانون اساسی، ۱۳۸۰، ۱۰۰)

با دقت در این اصل دو نکته اساسی و مهم قابل استنباط است:

۱. سپاه پاسداران، فلسفه وجودی و رسالتش، نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن می‌باشد.
 ۲. حدود وظایف و قلمرو مسئولیت‌های سپاه را قانون تعیین می‌کند.
- بنابراین در قانون اساسی در اصل یکصد و پنجاهم تصریح می‌نماید که سپاه برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و ... پابرجا می‌ماند.

برای اینکه بتوانیم به ماهیت پاسداری از انقلاب اسلامی پی ببریم، باید به چند نکته اشاره شود:

۱ - این هدف به عنوان یکی از اهداف اصلی تشکیل سپاه در ماده اول اساسنامه سپاه انقلاب مورد تأکید قرار گرفت.^۱

۲ - قانون اساسی از کلمه تأسیس یا تشکیل استفاده نکرده است بلکه به جای آن عبارت «ادامه نقش خود در نگاهبانی ...» را بکار برده است. این عبارت گویای این است که قانونگذار قصد داشته است که سپاه در ادامه حیات خود نیز همان نقشی را ایفا نماید که در آن مقطع حساس از کشور ایفا می نمود.

۳ - ماهیت و الزامات سپاه پاسداران در پاسداری از انقلاب اسلامی، بستگی به ابعاد انقلاب اسلامی دارد. و قلمرو مأموریت‌ها و وظایف سپاه را باید بر اساس این ابعاد تعیین کرد. و می دانیم که انقلاب اسلامی دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... است و تهدیدات آن نیز در این حوزه‌ها خود را نمایان می کند.

۳. تفسیر و تبیین ماهیت پاسداری از انقلاب اسلامی بر اساس متن قانون اساسی با توجه به قسمت اخیر اصل یکصد و پنجاهم، انتظار می رفت قانونگذار عادی، ابعاد و ماهیت پاسداری از انقلاب را روشن و مبرهن سازد، اما قوانین عادی در این زمینه ساکتند و از شورای نگهبان نیز که بر اساس اصل نود و هشتم مرجع تفسیر قانون اساسی است، استفسار یا درخواست تفسیری صورت نگرفته است تا برای تبیین این اصل نظریه تفسیری ارائه دهد. به ناچار برای تبیین این موضوع باید یک بحث تفسیری صورت دهیم تا بتوانیم زوایای این موضوع را که اختلاف نظر زیادی درباره آن وجود دارد تبیین نمائیم. دو احتمال اساسی همواره درباره ماهیت پاسداری سپاه پاسداران وجود داشته است:

الف) احتمال اول: نیروی صرفاً نظامی

سپاه پاسداران یک نیروی مسلح در پاسداری از انقلاب اسلامی است و در این خصوص باید صرفاً در قالب یک نیروی نظامی عمل کند و عرصه‌های دیگر را باید به متولیان آن بسپارد. این موضوع هنگام تصویب طرح ادغام بسیج در سپاه پاسداران در مجلس شورای اسلامی از سوی برخی از نمایندگان مجلس بیان گردید. از سوی دیگر ماده ۸ قانون مقررات استخدامی سپاه اشاره‌ای به این موضوع دارد:

۱. ماده اول اساسنامه سپاه پاسداران « سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگاهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش و سازماندهی نیروهای مردمی می باشد».

پاسدار رسمی به پرسنلی اطلاق می‌گردد که برای جهاد در راه خدا و پاسداری و دفاع مسلحانه از انقلاب و دستاوردهای آن و نظام جمهوری اسلامی ایران به استخدام سپاه درآمده و پس از طی دوره‌های آموزشی لازم به یکی از درجات پیش‌بینی شده در این قانون نائل و از لباس و علائم نظامی استفاده می‌نماید.

قسمت آخر اصل یکصد و پنجاهم نیز در خصوص تفکیک وظائف سپاه صرفاً از نیروهای مسلح نام برده است. بر این اساس چنین استدلال می‌شود که اگر نظر قانونگذار چیز دیگری بود می‌بایست بر تفکیک وظایف سپاه با سایر نهادها و سازمان‌های دولتی نیز تأکید می‌کرد. علاوه بر این، به نامه ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۴ حضرت امام رحمته‌الله درباره تشکیل نیروهای سه گانه سپاه نیز استناد می‌شود، در این نامه حضرت امام تصریح می‌فرمایند که:

با توجه به اینکه در اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی، ادامه نقش سپاه در نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است و نظر به اینکه انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی و زمینی و هوایی امکان‌پذیر نیست شما مأموریت دارید هر چه سریع‌تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروی زمینی، هوایی و دریایی نمایید تا در موارد لزوم با همکاری ارتش ... از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی کشور حفاظت کنید. (امام خمینی (ث)، ۱۳۷۰، ۲۲۸)

کلمه «تا» قبل از عبارت «در موارد لزوم» اصولاً، هدف از تشکیل این نیروها را که صرفاً جهت همکاری با ارتش در دفاع از مرزها می‌داند. این نامه دلیل دیگری بر این است که حوزه عمل سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی صرفاً نظامی و مسلحانه است.

ب) احتمال دوم: پاسداری از انقلاب از همه تهدیدات

احتمال دوم این است که وظیفه سپاه در پاسداری از انقلاب اسلامی را نمی‌توان به قالب مسلحانه آن محدود ساخت. این امر هم با ماهیت انقلاب اسلامی و هم با فلسفه وجودی سپاه مغایرت دارد. ما احتمال دوم را که نظریه برگزیده ما نیز می‌باشد در ادامه تحلیل می‌کنیم و با بررسی آن می‌توانیم یک تصویر کلی از جایگاه سپاه در ساختار سیاسی نظام ارائه دهیم.

۱ - ۳. مستندات همه جانبه بودن رسالت پاسداری سپاه

تردیدی نیست که یکی از ابعاد پاسداری از انقلاب اسلامی، دفاع مسلحانه است، اما آیا می‌توان از ادله فوق و اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی و سایر مقررات و همچنین منویات امام این برداشت را کرد که ماهیت پاسداری سپاه فقط جنبه مسلحانه دارد؟ در این خصوص باید به نکات و مستندات زیر

توجه کرد:

مستندات همه جانبه بودن رسالت پاسداری در مقابل همه تهدیدات، خود دو گونه هستند برخی اثباتی و برخی نقد ادله مخالفین هستند یعنی با نقد ادله طرف مقابل، قول ما ثابت می شود. در اینجا ابتدا دسته اول و سپس دسته دوم آورده می شود.

۱ - ۱ - ۳. ادله قرآنی و روایی

۱ - ۱ - ۱. آیه و اعدو لهم ما ستطعتم ...

ابتدا بایستی گفت که دو تعبیر کلیدی « صَدَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ » و « إِضْلَالٌ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ » نمایانگر موضوع تهاجم فرهنگی در آیات و سیاق های قرآنی و نیز روایات و احادیث اسلامی است، راه های مقابله با تهاجم فرهنگی در قرآن عنوان کتاب هدایت و مکتب انسان ساز، مشخص شده است. قرآن با القا روح تعالی و برتری به مسلمین و توجه دادن آنان به غنای عقیدتی و فرهنگی و تبیین پوچ بودن مکاتب انحرافی و نقاط ضعف فرهنگ های بیگانه، عملاً از تهاجم فرهنگی آنان جلوگیری کرده است.

یکی از مواردی که از آیات قرآن قابل استفاده است، ضرورت پیشگیری از تهاجم فرهنگی دشمنان و بیگانگان است در آیات متعددی، مسلمانان را به عدم غفلت و فریب از ناحیه دشمنان درونی و بیرونی اسلام توجه داده است و با امر به آمادگی های همه جانبه و دستور به مراقبت و مواظبت از داخل و خارج و تشریح قوانین و مقرراتی همچون فریضه امر به معروف و نهی از منکر راهها و زمینه های مختلف نفوذ بیگانگان را سد نموده است.

در اینجا یکی از آیات مهم در این زمینه مورد بررسی قرار می گیرد:

وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ
الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ
مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا
تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ
أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (انفال، ۶۰)

ترجمه: در برابر آنها دشمنان آنچه توانائی دارید از نیرو آماده سازید و همچنین اسبهای ورزیده برای میدان نبرد تا به و سیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و همچنین گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی شناسید و خدا می شناسد و هر چه در راه خدا و تقویت بنیه دفاعی اسلام انفاق کنید.

کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد،

که اگر قبلاً آنرا تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی‌رسید، مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش، و نیز مانند تهیه آتش برای طبخ. و کلمه قوه به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان‌پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و دارای سوابق جنگی و تشکیلات نظامی. و کلمه رباط مبالغه در ربط است، و ربط همان عقد گره است، با این تفاوت که ربط سست‌تر از عقد و عقد محکم‌تر از ربط است و ربطه، یربطه، ربطا با رباطه، یرابطه، مرابطه و رباطا به یک معنا است، چیزی که هست رباط از ربط رساتر است. و کلمه خیل به معنای اسب است. و ارباب معنایش نزدیک به معنای تخویف می‌باشد. و اینکه فرمود: و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانائی تهیه آن را دارند، چون مجتمع انسانی غیر از این نیست که از افراد و اقوامی دارای طبایع و افکار مختلف تشکیل می‌یابد، و در این مجتمع هیچ اجتماعی بر اساس سنتی که حافظ منافعشان باشد اجتماع نمی‌کنند مگر اینکه اجتماع دیگری علیه منافعش و مخالف با سنتش تشکیل خواهد یافت، و دیری نمی‌پاید که این دو اجتماع کارشان به اختلاف کشیده و سرانجام به نزاع و مبارزه علیه هم برمی‌خیزند، و هر یک در صدد برمی‌آید که آن دیگری را مغلوب کند. پس با این حال مسئله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگهای خسارتزا شود امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نبوده و خواه ناخواه پیش می‌آید، و اگر این امر قهری نبود انسان در خلقتش به قوائی که جز در مواقع دفاع بکار نمی‌رود از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری، مجهز نمی‌شد. پس اینکه می‌بینیم انسان به چنین قوائی در بدن و در فکرش مجهز است خود دلیل بر این است که وقوع جنگ امری است اجتناب‌ناپذیر، و چون چنین است به حکم فطرت بر جامعه اسلامی واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد مجتمع صالحش را مجهز کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۵۱)

در تفسیر دیگر آمده است که: در این آیه مورد بحث به یک اصل حیاتی که در هر عصر و زمان باید مورد توجه مسلمانان باشد اشاره می‌کند، و آن لزوم آمادگی رزمی کافی در برابر دشمنان است. در برابر دشمنان هر قدر توانائی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید. سپس اضافه می‌کند: و همچنین به اندازه کافی اسب‌های ورزیده برای

میدان جهاد فراهم سازید و رباط به معنی بستن و پیوند دادن است، و بیشتر به معنی بستن حیوان در نقطه‌های برای نگهداری و محافظت به کار رفته، سپس به همین تناسب به معنی محافظت و مراقبت به طور کلی آمده است، و مرابطه به معنی محافظت مرزها و همچنین به معنی مراقبت از هر چیز دیگر می‌آید، و به محل بستن و نگهداری حیوانات رباط گفته می‌شود و بهمین تناسب کاروانسرا را عرب رباط می‌گویند. در اینجا به این نکته باید توجه داشت که در جمله کوتاه فوق یک اصل اساسی در زمینه جهاد اسلامی و حفظ موجودیت مسلمانان، و مجد و عظمت و افتخارات آنان بیان شده است، و تعبیر آیه به قدری وسیع است که بر هر عصر و زمان و مکانی کاملاً تطبیق می‌کند. کلمه قوه‌ی چه کلمه کوچک و پر معنایی است، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۲۲۵ - ۲۲۲)

بنابراین علاوه بر اینکه باید از پیشرفته‌ترین سلاح‌های هر زمان - به عنوان یک وظیفه قطعی اسلامی - بهره‌گیری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه‌ی و نیروی مهمتری است پرداخت. چرا که کلمه قوه در آیه بسیار پر معناست. نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود اعم از نیروهای مادی و معنوی. از آنجا که قوای مادی و ابزار جنگی به تنهایی هرگز کارآمد نبوده بلکه نیروهای انسانی هستند که باید آنها را بکار گرفته و مورد استفاده دهند، لفظ قوه و توان فقط شامل توان نظامی صرف نیست بلکه توان معنوی و غیر مادی را نیز شامل می‌شود. و همچنین از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، که آنها نیز در مفهوم قوه مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارد نیز نباید غفلت کرد.

نکته دیگری که در اینجا باید گفت حول کلمه «رباط» است رباط یعنی ریسمانی که چهارپا را با آن می‌بندند. در اینجا مراد پرورش و نگهداری مرکب‌های جهاد است. و شامل مرزبانی را نیز می‌شود که خود مرزبانی انواعی دارد نوع اول همان مرزبانی جغرافیای از حدود و مرزهای دارالاسلام است و نوع دیگر که اهمیت آن بیشتر است مرزبانی فکری و فرهنگی است که بایستی انجام شود و در سرلوحه وظایف سپاه به عنوان خطرترین وظایف و مسئولیت‌ها در نظام اسلامی قرار گیرد.

بنابراین با توجه به معنی و مفهوم آیه فوق، تقویت نیروها و تسلیحات نظامی و تهیه هر نوع سلاح، امکانات، و سایل و شیوه‌های تبلیغی و فرهنگی در جهت پاسداری از دین خدا و آمادگی همه جانبه در برابر انواع تهدیدات (نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ...)، استنباط می‌شود که رعایت

این دستورات، سبب هراس کفار از نیروی رزمی مسلمانان می‌شود. و در واقع این آیه، سرلوحه وظایف سپاه به عنوان خطرترین وظایف و مسئولیتها در نظام اسلامی و شعار اصلی و هویت ساختاری تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشد.

۲ - ۱ - ۱ - ۳. پاسخ امام علی (علیه السلام) به سؤال عقیدتی در میدان جنگ

در اینجا به یک نمونه از احادیث و سیره معصومین در رابطه با اهتمام و توجه ایشان به فرهنگ پرداخته می‌شود.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در صلح و جنگ، در میدان نبرد یا مسجد کوفه، همه جا به سؤالات عقیدتی مردم و سربازان جواب می‌داد، در میدان جنگ چونان استاد فارغ‌البال سربازان کلاس که به سؤالات علمی شاگردان جواب می‌گویند، برخورد می‌کرد. سربازی در میدان جنگ از طرفداری حق پرسید! حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تواضع و فروتنی جواب داد، دیگری از نماز پرسید. و پاسخ شنید. در جنگ جمل سربازی به امام علی (علیه السلام) نزدیک شد و گفت: آیا شما می‌گوئید خدا یکی است؟ فرماندهان و یاران امام رو به آن سرباز کردند، و گفتند: مگر نمی‌بینی که در میدان جنگ قرار داریم؟ این چه حرفی است که می‌زنی؟

اما حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: او را به حال خود بگذارید.

دَعَوْهُ فَإِنَّ الَّذِي يَرِيذُهُ الْأَعْرَابِيُّ هُوَ الَّذِي
نُرِيذُهُ مِنَ الْقَوْمِ . (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۲)

«او را رها کنید، آنچه را او می‌پرسد همان چیزی است که ما از مردم می‌خواهیم.»

یعنی باید توحید الهی مورد بحث قرار گیرد و مردم موحد باشند تا فتنه‌انگیزی نکنند. آنگاه سرباز را طلبید و فرمود: سؤال خود را تکرار کن.

حضرت (علیه السلام) پاسخ‌های دقیق عقیدتی را مطرح و سرباز را قانع کرد.

از این روایت و مشابه آن مشخص می‌شود که پاسخ به شبهات فکری و اعتقادی و هجمه‌های فرهنگی، سیره ائمه معصومین (علیهم السلام) و مورد تایید و تاکید ایشان بوده و ارزش و اهمیت این عمل نه تنها هم‌سنگ با جهاد و قتال در معرکه در برابر دشمنان است بلکه بیشتر از آن است چرا که اینها همه مقدمه جنگ و خونریزی می‌شود و اگر این موارد حل گردد دیگر نیازی به قتال و جهاد نیست. بخاطر همین برای حفظ و پاسداری از انقلاب اسلامی از تهدیدات دشمن لازم است که در برابر این تهدیدات مقابله و دفاع کرد و وارد عرصه عمل شد و این مهم همان سرلوحه وظایف سپاه انقلاب

اسلامی می‌باشد.

جهاد فرهنگی کاری دشوار و حساس‌تر از جهاد نظامی است و تداوم بیشتر و هماهنگی افزون‌تر و دانش و هنر بیشتر لازم دارد. جهاد فرهنگی مقدم بر جهاد نظامی بوده و اهمیت زیر بنایی و به سزائی برخوردار می‌باشد.

چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالتش قبل از اینکه به او و پیروانش اجازه دفاع و جهاد نظامی داده شود، مأمور به جهاد فرهنگی می‌گردد؛ قرآن به عنوان کتاب جهاد فرهنگی بر قلب مبارک ایشان نازل می‌گردد: **وَجَا هَدُمُ يَه جِهَادًا كَبِيرًا**؛ و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز (فرقان، ۵۲).

یعنی با تلاوت آیات قرآن و بیان حقایق قرآن حجت را بر آنان تمام کن و پایه‌های متزلزل اعتقاد پوشالی آنان را ویران نما و بر آن ویرانه، بنیان اعتقاد توحیدی را استوار و محکم بنا کن.

همچنین امام صادق علیه السلام به روایت امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: علمای شیعه، مرزداران (مرايطون) مرزهایی هستند که ابلیس و عفریتهای او از آنها حمله می‌کنند؛ سپاه ابلیس را از هجوم بردن بر ناتوانان شیعه باز می‌دارند. و از چیره شدن ابلیس و پیروان دشمن خوی او برایشان جلوگیری می‌کنند. آگاه باشید، هر کس از شیعه ما خود را به این مرزداری برگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان جهاد کردند و هزار هزار بار بالاتر است. بدان جهت که این مرزدار، از دین دوستان ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کنند (طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۱۷)

بنابراین در «قلمرو فرهنگی»، همچون «میادین نظامی» ما به «آفند» و «پدافند» نیاز داریم، از یک سوبه فرهنگ و ایدئولوژی کفر و شرک و الحاد باید یورش بریم و از دیدگاه مکتبی درتهاجم فرهنگی ما باید پیشقدم باشیم که دعوت به اسلام از وظایف عمومی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی است و از سوی دیگر به دفاع فرهنگی از ایمان و قرآن و اسلام و مسلمین برخیزیم.

۲ - ۱ - ۳. ادله اصولی

یکی از منابع و ابزارهای مورد استفاده برای به دست آوردن احکام مسائل جزئی شرعی و قانونگذاری قواعد اصولی یا همان مسائل اصول فقه است. قواعدی است که در طریق استنباط حکم شرعی به کار گرفته می‌شود.

شهید صدر بعد از وارد کردن اشکال‌های متعدد به تعریف مشهور، می‌گوید:

صحیح‌تر آن است که گفته شود قواعد اصولی عناصر مشترکی است که در

استنباط حکم شرعی به کار می‌رود (صدر، ۱۴۱۸ ق، ۹)

در اینجا به بررسی مواردی از مسائل اصولی در موضوع مورد بحث یعنی حضور سپاه پاسداران به عرصه فرهنگی پرداخته می‌شود.

۱ - ۲ - ۱ - ۳. اطلاق قانون اساسی

قانون اساسی عبارت «نگاهبانی از انقلاب» را به طور مطلق بکار برده است و هیچ‌جا نیز آن را مقید ساخته و برای آن از قید مسلحانه نیز استفاده ننموده است. و از طرفی دیگر قانون عادی قادر به مقید کردن اطلاعات قانون اساسی نیست. بنابراین حتی اگر مقرراتی در مجلس تصویب شوند که در ظاهر قید مسلحانه را برای نگاهبانی بیان کرده باشد با توجه به صراحت قانون اساسی باید قانون مذکور را متناسب با قانون اساسی و در چارچوب آن تحلیل کرد. بنابراین مقدمات حکمت در اینجا تام و تمام است لذا با جاری کردن اصاله الاطلاق، شمول همه موارد و جوانب پاسداری و نگاهبانی نتیجه گرفته می‌شود.

منظور از مقدمات حکمت، جمع شدن شرایطی است که نشانه شمول مطلق برافراد می‌باشد.

(آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ۲۴۹ - ۲۴۷)

در اصل یکصد و پنجاه قانون اساسی و ماده یک اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نگاهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن لفظ مطلق است که تمامی مقدمات حکمت را دارا است به این بیان اولاً این عبارت امکان اطلاق و تقیید را دارد یعنی از الفاظی است که با قطع نظر از تعلق حکم به آن، قابل انقسام به مطلق و مقید می‌باشد ثانیاً قرینه‌ای بر تقیید (متصله یا منفصله) وجود ندارد. ثالثاً در مقام بیان تمام مراد خود بوده و قصد اهمال، اجمال گویی و هزل و غفلت نیز نداشته (در اینجا در مقام بیان هدف و رسالت و جایگاه سپاه انقلاب اسلامی در جمهوری اسلامی است). و رابعاً قدر متیقن در مقام تخاطب وجود نداشته که مانع از ظهور اطلاق در کلام شود چون اصلاً قانونگذار در اینجا در مقام تخاطب نیست بلکه در مقام بیان حکم و تقنین و تعیین رسالت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. و خامساً انصرافی که ناشی از کثرت استعمال باشد نیز وجود ندارد یعنی اینکه این‌گونه نیست که از شنیدن لفظ مطلق در اینجا، ذهن ما منصرف و متوجه به سوی یک فرد یا یک صنف از آن لفظ مطلق شود، بلکه با توجه به عملکرد و حضور سپاه در اوایل انقلاب در عرصه مختلف امنیتی، سیاسی، فرهنگی، و نظامی، اطلاق و شمول رسالت پاسداری و حفظ از انقلاب و دستاوردهای در همه جوانب و تهدیدها استظهار می‌شود.

۱ - ۲ - ۱ - ۳. عموم رسالت پاسداری

قبل از ورود به بحث به تعریف عام پرداخته می‌شود:

عموم به معنی شمول و فراگیری است و عام عبارت است از لفظی که به مفهوم خود شامل همه مصادیق می‌شود. در مقابل آن، خاص به لفظی اطلاق می‌شود که به مفهوم خود شامل همه مصادیق نمی‌شود. معمولاً عموم، ناظر به مفهوم و به معنای شمول و فراگیری است و عام، به لفظی ناظر است که معنای آن دارای عموم و شمول بوده و به معنای شامل و فراگیر است. (مظفر، ۱۳۷۵، ۱۳۹)

در زبان‌های مختلف، الفاظ و کلمات گوناگونی وجود دارد که دلالت بر شمول عام می‌کنند. چنانکه در زبان فارسی علاوه بر استفاده از الفاظی که در زبان عربی برای عموم استفاده می‌شود، در خود این زبان نیز کلماتی هستند که به نحو مثبت یا منفی برای لفظ شامل همه افراد، یعنی عام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. از این‌گونه الفاظ به عنوان نمونه می‌توان: همه، هر، هیچ، هرگز، تمام و کلیه و جمع بستن با پسوند «ها» و «ان» را نام برد. (همان)

اصالت عموم، از اصول معتبر لفظی است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷، ۲۸) و در جایی کاربرد دارد که لفظ عامی بیان شود و در این که آیا از آن عموم اراده شده یا نه، تردید شود؛ به بیان دیگر، هر گاه گوینده، لفظ عامی را به کار برد، اما این شک پدید آید که آیا او معنای عام را اراده کرده یا در کلام خود مخصص آورده است، سرمنشأ شک آن است که احتمال داده می‌شود شاید متکلم مخصصی را ذکر کرده و به ما نرسیده است، در این مورد می‌توان با تمسک به اصالت عموم، احتمال تخصیص را نفی و به عموم آن عمل کرد تا وقتی که وجود مخصص برای عام، محرز گردد. برای مثال، هر گاه گفته شود: «از همه دانشمندان اکرام کن» و تردید شود که آیا منظور گوینده، تمام دانشمندان با هر نوع تخصصی است یا تنها دانشمندان دینی مراد است، در این صورت با اجرای اصالت عموم، مخاطب باید به تمام دانشمندان اکرام کند. لازم به ذکر است که اصالت عموم پس از جستجو و یأس از مخصص، حجیت دارد و مدرک حجیت آن بنای عقلا است. (مشکینی، ۱۳۸۴، ۵۷)

در ماده ۱۵۰ قانون اساسی^۱ و ماده یک اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی^۲، کلمه

۱. یکصد و پنجاهم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در «نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن» پابرجا می‌ماند. حدود وظائف و قلمرو مسئولیت این سپاه در رابطه با وظائف و قلمرو مسئولیت نیروهای مسلح دیگر با تأکید بر همکاری و هماهنگی برادرانه میان آنها به وسیله قانون تعیین می‌شود.

۲. ماده ۱ - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهبانی از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمان‌های الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، لفظ عام است مهمترین دستاورد انقلاب اسلامی هم، فرهنگ مبین اسلام و اجرایی شدن فرهنگ و حکومت اسلامی است بلکه اصلا می‌توان گفت انقلاب اسلامی، یک انقلاب فرهنگی است که هدف آن تحقق و اجرایی کردن فرهنگ و حکومت اسلامی و زمینه‌ساز انقلاب نهایی حضرت مهدی علیه السلام و پیروزی حق بر باطل است. لذا کلمه «دستاوردها» عام بوده و با اجرای اصاله‌العموم شامل هم دستاوردها و از جمله دستاوردهای فرهنگی نیز می‌باشد.

۳- ۲- ۱- ۳. مقدمه واجب پاسداری از انقلاب

مراد از مقدمه واجب، ثبوت ملازمه شرعی بین حکم واجب و مقدمه آن است؛ به این بیان که در ملازمه عقلی میان وجوب شیء و مقدمه آن تردیدی نیست؛ برای مثال، عقل میان رفتن به بام ساختمان بلند و لزوم استفاده از وسیله بالابر مناسب برای این کار، ملازمه می‌بیند، اما سخن درباره ملازمه شرعی میان واجب و مقدمه آن، مانند نماز و وضو، است که آیا وجوب شرعی نماز به وضو نیز که مقدمه آن است سرایت می‌کند تا وضو هم به عنوان مقدمه، واجب باشد یا نه. (مظفر، ۱۳۷۵، ۲۴۵)

یکی از مبانی دیگری که در ورود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عرصه فرهنگی می‌توان بیان کرد بحث مقدمه وجود است یعنی مقدمه‌ای که دخیل در تحقق و امتثال ذی‌المقدمه است مقدمه وجود، مقدمه‌ای است که وجود ذی‌المقدمه و امتثال آن در خارج، به آن بستگی دارد، مانند: پیمودن مسافت برای حج، که وجود حج نه وجوب آن بر پیمودن مسافت و حضور در حرم متوقف است، و یا مانند وضو برای نماز، که وجود نماز بر وجود آن توقف دارد. (مشکینی، ۱۳۸۴، ۲۵۷)

بر اساس قول مشهور اصولیون بحث مقدمه واجب، در مقدمه وجود جریان دارد، به خلاف مقدمه وجوب که از آن خارج است. مهم‌ترین تفاوت میان مقدمه وجوب و مقدمه وجود در این است که فراهم ساختن مقدمات وجوب، بر مکلف لازم نیست، اما در مقدمات وجود، مکلف وظیفه دارد به قصد توصل به ذی‌المقدمه، آنها را تحصیل نماید. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ۱۱۷؛ مظفر، ۱۳۷۵، ۲۵۴؛ مشکینی، ۱۳۸۴، ۲۵۷)

در بحث و موضوع تحقیق، وجوب این مقدمه به این بیان تصویر می‌شود: حفظ و نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن وظیفه و تکلیف واجب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است که برای اجرا و تحقق این وظیفه لازم است در مقابل هر نوع تهدیدی که انقلاب اسلامی و نظام اسلام را تهدید می‌کند مقابله کند همانطور که در جنگ نظامی برای پیشگیری از حمله نظامی دشمن، اقدامات

بازدارنه و پیشگیرانه انجام می‌شود تا دشمن حتی به فکر تهدید و حمله نظامی نیفتد در مابقی تهدیدات مانند امنیتی سیاسی فرهنگی، اقتصادی و ... هم بایستی سپاه به این صورت اقدام کند. یکی از موارد که لازم است برای این تکلیف و واجب (نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی) ورود کند عرصه فرهنگی است چرا که بدون ورود به این عرصه حفظ و نگهداری از دستاوردهای انقلاب تحقق نمی‌یابد مخصوصاً با توجه به تهاجم فرهنگی دشمنان علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلام اهمیت و جوب ورود به این عرصه دو چندان می‌شود.

۳ - ۱ - ۳. ادله فقهی

۱ - ۳ - ۱. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر به معنی واداشتن به نیکی و بازداشتن از بدی است و مراد فقها از امر و نهی، مطلق بر انگیختن کسی بر انجام یا ترک چیزی است؛ خواه به گفتار یا کردار. و مراد از معروف و منکر، هر کار پسندیده و ناپسند از نظر عقل و شرع است؛ اعم از واجب، مستحب، حرام و مکروه. امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و محرمات، واجب و در مستحبات و مکروهات، مستحب است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ق، ۶۵۹)

امر به معروف و نهی از منکر از با اهمیت‌ترین واجبات اسلام است. و به وسیله اینها واجبات برپا می‌شود، آیات قرآنی از یک طرف و روایات بسیار معتبر در وجوب این ارشاد حیاتی از طرف دیگر کمترین تردیدی در ضروری بودن این حکم حیات بخش نمی‌گذارد.

اما نکته‌ای که در باب امر به معروف و نهی از منکر در مورد بحث و موضوع تحقیق، قابل بحث است نوع وجوب این دو است که آیا وجوب آن عینی و همگانی است یا اینکه کفایی و بر عهده بعض افراد جامعه است؟

در کفایی یا عینی بودن وجوب امر به معروف و نهی از منکر بین فقها، اختلاف است. (جمعی از

پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ق، ۶۶۰)

به نظر می‌رسد که با توجه به پیوندهای اجتماعی و اینکه هیچ کار بدی در اجتماع انسانی در نقطه خاصی محدود نمی‌شود؛ بلکه هرچه باشد همانند آتش ممکن است به نقاط دیگر سرایت کند. به حکم عقل امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب است؛ زیرا در اجتماع چیزی به عنوان «ضرر فردی» وجود ندارد و هر زیان فردی، امکان این را دارد که به صورت یک ضرر و زیان اجتماعی درآید و به همین دلیل منطق و عقل به افراد اجتماع اجازه می‌دهد که در پاک نگه داشتن محیط زیست خود از هر تلاش و کوششی دریغ نورزند.

خداوند با «نهی از ظلم»، هم مکلفین را به دوری از ظلم فرا می‌خواند و هم دیگران را به جلوگیری از رواج ظلم در جامعه مکلف می‌سازد و این هر دو به حکم عقل واجب است. با توجه به مطالب مزبور امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگان است؛ زیرا این تکلیف که در راستای «اصلاح جامعه از بدی‌ها و رواج نیکی‌ها» است، به قشر خاصی اختصاص ندارد و جز با همگانی بودن آن سازگار نیست. بنابراین بر هر فردی واجب است که دیگران را به خیر دعوت کند و امر به معروف و نهی از منکر نماید.

فقه‌های عظام نیز همگانی بودن این تکلیف را به صراحت بیان کرده‌اند؛ هر چند آن را در زمره واجبات کفایی شمرده‌اند، به طوری که با انجام بعضی، از دیگران ساقط می‌شود. اما هر واجب کفایی قبل از اقدام به مقدار کفایت، برعهده همگان است و اگر همگی آن را ترک کردند، گناهکار و مستحق مجازات‌اند. البته لازم به ذکر است که عموم آیات و روایات وارده در باب امر به معروف و نهی از منکر نیز عینی بودن این دو وجوب این دو را می‌رساند.

در اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه همگانی و متفاوت است که برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می‌باشد و شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند. همچنین براساس ماده (۴) قانون حمایت آمران به معروف و ناهیان از منکر، مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و یک وظیفه و تکلیف همگانی است.

۲ - ۳ - ۱ - ۳. ولایت فقیه

فرامین، دستورات و تدابیر بر اساس قانون اساسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح بر عهده رهبری است. اساسنامه سپاه، فرماندهی عالی سپاه را این‌گونه اعلام می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نهادی است تحت فرماندهی عالی رهبر معظم انقلاب که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی، دستاوردهای آن و کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و ...»

ولایت فقیه مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد نظام جمهوری اسلامی است که مطابق قانون اساسی در اعمال مستقیم و غیر مستقیم قدرت سیاسی نقش بسیار مهمی دارد. نظریه ولایت فقیه حضرت امام خمینی ره مبنای نظام جمهوری اسلامی است.

بر اساس قانون استخدامی و مقررات نیروهای مسلح مصوب مجلس شورای اسلامی، فرامین، دستورات و تدابیر مقام معظم رهبری به عنوان فرماندهی معظم کل قوا برای نیروهای مسلح در حکم قانون می‌باشد. نکته بسیار قابل تأمل در این قانون تصریح بر این مطلب است که هرگاه فرامین،

دستورات و تدابیر با قوانین موضوعه در حیطه نیروهای مسلح در تعارضی باشد، فرامین، دستورات و تدابیر بر قوانین موضوعه رجحان دارد. بر این اساس آنچه از سوی فرماندهی معظم کل قوا در خصوصی کارکردها و فلسفه وجودی، وظایف و مأموریت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بیان شده در حکم قانون و قابل استعداد می‌باشد.

۱ - ۲ - ۳ - ۱ - ۳. رهنمودهای امام خمینی ره

مرحوم امام ره درباره مفهوم پاسداری چنین می‌فرمایند:

«پاسداری فقط پاسداری مرز نیست. پاسداری یک معنای وسیعی دارد. هر یک از ما پاسداریم نسبت به دیگران. من باید نصیحت بکنم به شما؛ شما به من نصیحت کنید. من به شما بگویم که امروز که روز امتحان است خوب از امتحان بیرون بیایید. شما هم به من همین معنا را بگویید...» (امام خمینی (الف)، ۱۳۷۸، ۴۹۱).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های متعدد در جمع پاسداران، در شرح مسئولیت‌های سپاه پاسداران چنین می‌فرماید:

از شما برای اسلام و قدرت اسلام و قرآن همراهی می‌خواهم. (امام خمینی (ب)، ۱۳۷۸، ۴۰۵) امروز کشور مال خود شماست، و شما باید مال خودتان را حفظ کنید... (همان، ۵۳۳).

باید شما پاسداران اسلام، شما جوانان که سربازان امام زمان عج هستید، باید با هوشیاری، با اراده قوی، با مشیت محکم، جلوی این توطئه‌ها را بگیرید. گمان نکنید که ما به آخر رسیدیم و ما پیروز شدیم؛ ما بین راه هستیم و باید قدم‌های دیگر برداریم. امروز می‌خواهند نگذارند ما جلو برویم و قدم‌های دیگری را که برای سازندگی است برداریم. (امام خمینی (الف)، ۱۳۷۸، ۳۰)

پاسداران عصر حاضر و انقلاب اسلامی! به امام امت و پاسدار قرآن کریم و اسلام عزیز اقتدا نموده حق پاسداری از انقلاب اسلامی را به خوبی ادا کنید؛ و از این منصب بزرگ، که منصب انبیای عظام و اولیای خداوند تعالی است به خوبی حفاظت کنید. (امام خمینی (پ)، ۱۳۷۸، ۳۰۶)

همچنین ایشان درباره رسالت سپاه پاسداران در زمان صلح چنین می‌فرماید:

در هر حال، ما باید آماده و مهیا باشیم. روزهای حساس و تعیین کننده‌ای در پیش داریم؛ و انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماه‌های تعیین کننده دیگر در پیش

خواهد داشت؛ که واجب است پیش کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه‌ها حاضر و آماده باشند، و از کید و مکر جهانخواران و امریکا و شوروی غافل نمانند؛ و حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح، باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد، چرا که در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه جهات قوتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها، و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه‌جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از حب و بغضها به این مسائل پرداخت ... (امام خمینی (ث)، ۱۳۷۸، ۱۳۴)

همانطور که ملاحظه می‌شود امام رحمته‌الله رسالت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تک بعدی و فقط در امور نظامی و مسلحانه تعریف نفرموده ایشان علاوه بر دفاع نظامی در مقابل دشمن، دفاع و پاسداری از اسلام و قرآن و احکام اسلام و پاسداری از مکتب، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ و تقویت ارتباط معنوی و حفظ جمهوری اسلامی و ... از مسئولیت‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شمرده و این مهم و امر واجب مرحوم امام رحمته‌الله تنها در قالب کار فرهنگی و تقویت فرهنگ و حفظ فرهنگ و ایمان در مقابل هجمه‌ها و تهدیدات فرهنگی قابل تحقق است.

۲-۲-۳-۱-۳. رهنمودهای مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری درباره جایگاه سپاه در عرصه تهاجم فرهنگی مباحث متنوعی را مطرح نموده‌اند که در ادامه چند مورد آمده است:

... آن وقتی که دشمن قصد تهاجم داشته باشد - چه تهاجم فرهنگی، چه تهاجم شهری و شهروندی، چه تهاجم از بیرون مرزها - حضور این نیروها برای این ملت مایه‌ی افتخار است؛ مایه‌ی سربلندی و عزت است. (بیانات، ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۴)

سپاه، پاسدار انقلاب اسلامی است؛ سپاه به عنوان یک موجود زنده باید بداند که از چه می‌خواهد پاسداری کند؛ این انقلاب چیست. (بیانات، ۲۶ / ۶ / ۱۳۹۲)

همه‌ی ملت ایران به یک معنا خودشان را موظف میدانند به پاسداری از انقلاب لیکن خصوصیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی این است که این یک مأموریت تعریف شده برای آن است. (بیانات ۶ / ۳ / ۱۳۹۲)

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع از انقلاب، تمامیت انقلاب و هدفهای انقلاب و برای مقابله با دشمنان انقلاب به وجود آمده است. (بیانات، ۲۴ / ۶ / ۱۳۹۲)

(۱۳۷۸)

تنها نیرویی که قادر است از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، انقلابی دفاع کند، فقط سپاه است. (بیانات، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۸)

دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت‌شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهمترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دلها فرو بریزند و از بین ببرند. (بیانات، ۴ / ۷ / ۱۳۸۰)

۴. جمع‌بندی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با تهدیدات مختلف نظامی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و ... مواجه بوده، یکی از این تهدیدها تهاجم فرهنگی است، در تهاجم فرهنگی، با هجوم به بنیان‌های فرهنگی یک ملت، باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی بر فرهنگ ملی آن ملت وارد می‌کنند. مسلم است که این نوع تهدیدات بایستی شناسایی شده و با آن مقابله شود. همانطور که بدان پرداختیم مسئله این مقاله، بررسی نقش و جایگاه حقوقی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مواجهه با این تهدیدها و حضور در عرصه فرهنگی بر اساس قانون و موازین اسلامی بود.

براساس یافته‌های این تحقیق، یکی از وظایفی که بر اساس موازین اسلامی (قرآن، روایات، اصاله الاطلاق، اصاله العموم، مقدمه واجب، وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر، وجوب فرامین ولی فقیه) و قوانین جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی، مشروح مذاکرات، اساسنامه سپاه و ...) برای این نهاد مقدس مشخص شده، دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، در مقابل تهدیدات و تهاجم فرهنگی است؛ و نگرهبانی و پاسداری از انقلاب و دستاوردهای آن صرفاً محدود به مسائل نظامی نیست، بلکه دفاع همه‌جانبه از دستاوردهای انقلاب اسلامی از جمله فرهنگی را هم شامل می‌شود.

منابع

الف) فارسی

۱. بیانات در مراسم مشترک یگان‌های نظامی استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۵
۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۶/۲۶
۳. بیانات در دانشگاه امام حسین علیه السلام ۱۳۹۲/۳/۶
۴. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۸/۶/۲۴

۵. بیانات در مراسم بیعت فرماندهان سپاه ۱۳۶۸/۴/۱۹
۶. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای نیروهای مسلح ۱۳۸۰/۷/۴
۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ ق.)، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)**، ج ۱، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۸. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام خمینی**، ج ۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۹. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام خمینی**، ج ۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۰. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام خمینی**، ج ۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۱. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام خمینی**، ج ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۱۲. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۰)، **صحیفه نور**، ج ۱۹، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۳. خمینی موسوی، سید روح‌الله (۱۳۷۰)، **صحیفه نور**، ج ۲۱، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۴. طباطبایی، علامه محمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۹، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)؛ با مقدمه و ضمیمه، قم، نشر جمال.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۶۲)، **تفسیر نمونه**، ج ۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

ب) عربی

۱. سوره مبارکه انفال
۲. سوره مبارکه فرقان
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق) (۱۳۶۲)، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، قم، جامعه مدرسین
۴. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ ق.)، **کفایة الأصول**، قم، مؤسسه آل البیت
۵. سبحانی تبریزی (۱۳۸۷)، جعفر، **الموجز فی أصول الفقه**، قم، مؤسسه الامام الصادق (علیه‌السلام)
۶. صدر، شهید سید محمد باقر (۱۴۱۸ ق.)، **دروس فی علم الأصول**، ج ۲، قم، انتشارات اسلامی
۷. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ ق.)، **الإحتجاج علی اهل اللجاج**، ج ۱، مشهد، نشر مرتضی
۸. مشکینی، میرزا علی (۱۳۸۴)، **مصطلحات الفقه**، قم، نشر الهادی
۹. مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵)، **أصول الفقه**، قم، ج ۱، بی‌نا